

صاحب الفضائل والهدایه

دردخائل امیر المومنین
علی بن ابیطالب (ع)

به اهتمام : شکرالله سلیم زاده

انتشارات عادیات

پاییز ۹۴

سرشناسه : سلیم زاده، شکرالله، ۱۳۱۸ -
 عنوان و نام پدیدآور : صاحب الفضائل والهدایه : در فضائل امیر المومنین علی ابن ابیطالب (ع)
 مشخصات نشر : تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی عادات، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۵۱۹ ص.
 شابک : ۹۶۴-۶۵۷۵-۷۷-۳
 وضعیت فهرست نویسی : فیای مختصر
 یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۴۳۵۱۷
 تاریخ درخواست : ۱۳۹۴/۰۳/۱۶
 تاریخ پاسخگویی : ۱۳۹۴/۰۴/۱۵



نام اثر :	صاحب الفضائل والهدایه : در فضائل امیر المومنین علی ابن ابیطالب (ع)
ناشر :	انتشارات عادات
پدید آورنده :	شکرالله سلیم زاده
قطع :	وزیری گالینگور
نوبت چاپ :	اول پاییز ۹۴
شمارگان :	۲۰۰۰ نسخه
بهاء :	۳۵۰۰۰۰ ریال
شابک (ISBN) :	۹۷۸-۹۶۴-۶۵۷۵-۷۷-۳

تهران: خیابان انقلاب خ ۱۲ فروردین خ شهید وحید نظری جنب هتل پارسی بلاک ۱۰۵ طبقه اول واحد ۴

تلفن: ۶۶۹۵۵۸۵۴ شماره: ۶۶۹۵۵۸۵۱ همراه: ۰۹۱۲۱۳۸۸۴۳۳

HEAD OFFICE : FLOOR 1 - # NO : 105 BULD / A.V VAHIDNAZARI

A.V 12 FARVARDIN A.V ENGELAB TEHRAN-IRAN

TEL: 66955854 FAX: 66955851 MOB: 09121388433

www.AADIYAT.IR

INFO@Aadiyat.ir

ADIYAT.PUBM@YAHOO.COM

۳.....	پیشگفتار ما
۳.....	محبت اهل بیت:
۱۳.....	زندگان و مردگان حقیقی از منظر قرآن
۱۴.....	چرایی فروتر بودن گمراهان از چارپایان از منظر قرآن
۱۵.....	راهنمایی‌های انبیاء و اولیاء؛ بستر ساز هدایت باطنی و درونی
۱۶.....	فرجام پیروی از هوای نفس
۱۹.....	فصل اول
۱۹.....	مفهوم وحدت
۲۰.....	هدف وحدت
۲۰.....	«تقرب الی الله»
۲۲.....	مبنای استقرار نظام روحانی
۲۳.....	محورهای وحدت
۲۳.....	واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا
۲۴.....	وحدت موضعی و وحدت اصولی
۲۵.....	اثر جاویدان سید رضی
۲۶.....	دار العلم سید رضی
۲۸.....	سخنی در باره خطبه شفشقیه
۲۹.....	ترجمه خطبه ی شفشقیه
۳۳.....	دختر سید مرتضی نهج البلاغه را روایت می کند
۳۴.....	گفتار سید رضی در آغاز نهج البلاغه
۳۶.....	دانشمندان عامه و نهج البلاغه در یک صد ساله اخیر
۳۸.....	نظر شیخ محمد عبده دانشمند مشهور در مقدمه شرح نهج البلاغه
۴۱.....	توضیح علامه بحر العلوم
۴۲.....	فرازهایی از فضیلت های مخصوص امیر المومنین علی (ع) (به نقل از کتاب ارشاد شیخ مفید)
۴۲.....	اعترافات خلفاء به حقانیت علی ابن ابیطالب (ع)

۴۸		علی همان صاحب ولایت و برادر پیامبر است
۴۹		عمر اعتراف دارد بر اینکه علی برادر پیغمبر است
۵۰		مأمون خلیفه عباسی نقل می کند
۵۰		معاویه اعتراف دارد که علی حلال مشکلات است
۵۴		توضیح از مترجم
۵۵		سه خلیفه از خلفای عباسی
۵۶		مناظره مأمون در فضائل علی بن ابیطالب (ع)
۶۱		فصل دوم
۶۱		احتجاج حضرت بر طیب یونانی
۶۲		المواطن التي إمتحن بها علمي (ع)
۶۷		فاطمه بنت اسد همراه با مه ل کعبه و
۶۷		قول کاهن (پیشگو)
۶۹		مولود کعبه
۷۰		نام گزاری مولود کعبه
۷۱		داستان شمشیر ذوالفقار
۷۳		نزول آیه تطهیر، درباره اهل بیت:
۷۴		پیامبر اکرم (ص) در خیر دعای فرماید
۷۶		غسل و تکفین رسول خدا و نماز بر آن حضرت
۷۷		از القاب امام علی (ع) (الموت الاحمر)
۷۹		حدیث زمین با علی (ع)
۸۰		إسيع ابن نباته
۸۱		اخبار وارده در غربت اسلام
۸۴		قرآن مجید از هلاکت یهود در بیت المقدس خبر میدهد
۸۶		علی (ع) از زبان «علی (ع)»
۸۹		قاتلی که یکبار قصاص شده بود، ولی...
۹۱		علی (ع) به عمر فرمود:
۹۱		قضاوت در مورد جوانی که مادرش او را انکار می کرد

۹۵.....	نقش علی(ع) در پایداری اسلام
۹۸.....	فصل سوم
۹۸.....	تجلی کمال انسانیت
۹۹.....	خطبه تاریخی حضرت فاطمه(س)
۱۰۸.....	اسناد و مدارک خطبه حضرت فاطمه(س)
۱۱۴.....	پس خداوند ایمان را وسیله قرار داد برای پاکیزگی شما از شرک.....
۱۱۶.....	که نماز بر مومنان به وقتهای معین مقرر است.
۱۱۸.....	و زکات را برای تزکیه نفس و افزونی در رزق
۱۲۰.....	ای شمائی ایمان دارید!
۱۲۶.....	امامت پس از رسول اکرم(ص)
۱۲۹.....	تو چیز شگفت انگیزی آوردی؟!.....
۱۳۳.....	استدلال آیت الله محمد باقر صدر
۱۳۷.....	شما به خاص و عام قرآن از پدر و پسر عمویم دانا ترید؟!.....
۱۴۵.....	رحلت رسول الله(ص)
۱۵۱.....	فصل چهارم
۱۵۱.....	بررسی و تحقق موقعیت اصلی زن در اسلام
۱۵۲.....	رأی قرآن درباره زن
۱۵۵.....	حجاب در اسلام
۱۵۶.....	زهی در نیام
۱۵۸.....	فدک
۱۶۱.....	دخت پیامبر
۱۶۲.....	همسر علی علیه السلام
۱۶۶.....	امامت، این عصمت تکامل یافته
۱۶۸.....	میلاد پیامبر عظیم الشأن(ص)
۱۷۱.....	علی ابن ابیطالب(ع) در چهارچوب تاریخ
۱۷۸.....	شخصیت علی بن ابیطالب

تدارك و آمادگی کامل	۱۸۰
دین مال خداست، و خدا متعلق به عربستان تنها نیست!	۱۸۷
فصل پنجم	۱۹۱
نهج البلاغه	۱۹۱
داوریهای آن حضرت در زمان حیات پیغمبر اکرم (ص)	۱۹۴
داوریهای آن حضرت در زمان خلافت ابی بکر	۱۹۵
داوریهای آن حضرت در زمان خلافت عمر	۱۹۷
زنی باردار، حامله که عمر دستور داد آن زن را سنگسار کنند	۱۹۸
قضاوت در رد دو زن که بر سر کودکی نزاع کردند	۱۹۹
قضاوت در مورد زنی که ماهه بچه زاییده بود	۲۰۰
زنی که او را در برخی از آیات و بلاد عرب دیدند...!	۲۰۱
نوجوان گریان که مردم دور او را گرفته بودند	۲۰۲
دو مرد همسفر برای خوردن چاشت (صبحانه)	۲۰۵
مولا و غلام مشته شدند؟!	۲۰۷
ماجرایی شگفت آور	۲۰۹
جوانی نزد عمر رفت و میراث پدر را طلب کرد	۲۱۴
تقسیم ۱۷ شتر بین سه نفر توسط حضرت علی (ع)	۲۱۵
دارمیه حجونی کنانی (بنی کنانه)	۲۱۵
مناظره شنیدنی حره دختر حلیمه سعدیه با حجاج لعنه الله علیه	۲۱۸
فصل ششم	۲۲۵
درباره وجوه شناسایی خدای تعالی و یگانگی او	۲۲۵
قضا و قدر خداوند در بیان علی ابن ابی طالب (ع)	۲۲۸
کمیل ابن زیاد (ره) نقل کرده است	۲۲۹
دربیان حال شیعیان پاک و مخلص	۲۳۱
و از سخنان حضرت علی (ع)	۲۳۲
نگاه فتنه و فساد در خانه های خود پنهان شوید	۲۳۴
ما اهل بیت بدانند خداوند دانشمند شدیم	۲۳۶

۲۴۰	 نعمتهای الهی
۲۴۱	 سوال ابن کوا
۲۴۲	 عدد عجیب
۲۴۲	 تقسیم بیت المال
۲۴۴	 سرزمین بصره
۲۴۴	 ابتکار در علوم ادبی
۲۴۴	 صرف و نحو
۲۴۶	 ابوبکر و معنای "آیه ی قرآن"
۲۴۸	 فصاحت و لغت
۲۴۹	 در خلقت ماهی
۲۵۰	 طاووس، از نگاه امام علی (ع)
۲۵۱	 هذا خلق الله فارونی ماذا یفعل الذین من دونه
۲۵۵	 در خلقت مورچه، ملخ و گاو
۲۵۶	 آفرینش ملخ
۲۵۷	 تشریح بدن مورچه
۲۵۸	 آفرینش آسمان و جهان
۲۵۹	 هیئت و نجوم
۲۵۹	 جو
۲۶۰	 حرکت زمین
۲۶۲	 مه و خورشید و فلک
۲۶۳	 آموخت نجوم
۲۶۶	 فصل هفتم
۲۶۶	 معرفی واقعی شیعه و مذهب تشیع
۲۶۸	 مشکلاتی که شیعه پیش بینی می کرد
۲۷۰	 سقوط ولایت و حکومت اسلامی
۲۷۰	 مشکل اول

۲۷۶.....	اندازهٔ موفقیت شیعه.....
۲۷۸.....	سقوط مرجعیت اهل بیت علیهم السلام.....
۲۷۸.....	مشکل دوم.....
۲۹۱.....	مسئلهٔ ولایت، ارتباط نبوت و ولایت.....
۲۹۷.....	ثبوت ولایت و حامل آن.....
۲۹۸.....	ولایت از طریق اکتساب و اتباع.....
۲۹۹.....	از کلام امام ششم (ع) قطعه‌ای است از حدیث سدید.....
۳۰۱.....	فرموده رسول خدا (ص) درباره امام علی (ع).....
۳۱۰.....	فصل هشتم.....
۳۱۰.....	گزیده‌هایی از نهج البلاغه.....
۳۱۰.....	(۱) خطبه ۲۰-در منع از غیبت.....
۳۱۱.....	(۲) خطبه ۶۲-سکونش دنیا.....
۳۱۱.....	(۳) ترجمه خطبه ۶۴.....
۳۱۲.....	(۴) خطبه ۸۴-در توحید و موعظه.....
۳۱۲.....	(۵) خطبه ۱۰۲-در تشویق به زهد.....
۳۱۳.....	(۶) خطبه ۱۲۹-درباره پیمان‌ها.....
۳۱۴.....	(۷) خطبه ۱۴۰-در نهی از غیبت مردم.....
۳۱۴.....	(۸) خطبه ۱۴۱-درباره نهی از شنیدن غیبت.....
۳۱۵.....	(۹) خطبه ۱۴۹-پیش از وفاتش.....
۳۱۷.....	(۱۰) خطبه ۲۳۰-در سفارش به تقوا.....
۳۱۸.....	(۱۱) ترجمه خطبه ۱۹۰.....
۳۱۸.....	(۱۲) ترجمه خطبه ۲۰۴.....
۳۱۹.....	(۱۳) ترجمه خطبه ۲۳۷.....
۳۱۹.....	حکمت‌ها.....
۳۱۹.....	حکمت ۳۰.....
۳۲۱.....	حکمت ۷۰.....
۳۳۲.....	حکمت ۸۵.....

۳۲۲.....	حکمت ۱۴۷
۳۲۴.....	حکمت ۲۴۹
۳۲۵.....	حکمت ۳۷۱
۳۲۵.....	نامه‌ها
۳۲۵.....	نامه ۴۷- از وصیت آن حضرت (ع) است به حسن و حسین (ع)
۳۲۶.....	نامه ی ۳۱ به حضرت مجتبی (ع)
۳۲۸.....	نامه ۲۷- به محمد بن ابوبکر
۳۳۰.....	نامه ۳۴- به محمد بن ابی بکر
۳۳۱.....	نامه ۳۵- با عبدالله بن عباس
۳۹	ترجمه نامه ۳۶- به برادرش عقیل نسبت به کوچ دادن لشکر به سوی دشمن که در سال
۳۳۲.....	هجری نوشت. شا
۳۳۳.....	نامه ۳۸- به مردم مصر
۳۳۵.....	نامه ۳۹- نامه به عمرو عاص
۳۳۵.....	ترجمه نامه ۴۳- نامه به مصعبه بن سره شیبانی
۳۳۶.....	نامه ۶۳- به ابوموسی اشعری
۳۳۸.....	نامه ۶۷- به قثم بن عباس
۳۴۰.....	نامه ۶۸- به سلمان فارسی
۳۴۱.....	نامه ۶۹- به حارث همدانی
۳۴۴.....	نامه ۷۰- به سهل بن حنیف
۳۴۵.....	نامه ۷۱- به منذر بن الجارود
۳۴۷.....	فصل نهم
۳۴۷.....	آشنایی شیخ محمد عبده با نهج البلاغه
۳۴۹.....	صاحب نهج البلاغه از دیدگاه دانشمندان اهل سنت
۳۵۰.....	ابن ابی الحدید، شارح نهج البلاغه، متفکر در فلسفه و کلام
۳۵۱.....	محمد ابوالفضل ابراهیم، محقق بزرگ اهل سنت
۳۵۱.....	محمد امین نواوی، از علمای معروف اهل سنت

- خطیب خوارزمی، ادیب و خطیب مشهور حنفی ۳۵۱
- زمخشری، دانشمند و ادیب و مؤلف تفسیر کشاف ۳۵۲
- عبدالفتاح عبدالمقصود، مؤلف کتاب امام علی بن ابیطالب ۳۵۳
- محمدفرید وجدی، دانشمند مصری و مؤلف دائره المعارف ۳۵۳
- عباس محمود عقاد، دانشمند مصری ۳۵۴
- دکتر طه حسین، دانشمند و نویسنده مشهور مصری ۳۵۴
- شکیب ارسلان، ملقب به امیرال بیان ۳۵۵
- دکتر صبحی صالح، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه لبنان ۳۵۵
- شیخ محمد ع. ه.، دانشمند و مفتی اهل سنت ۳۵۶
- استاد ناصیف یارجم ۳۵۶
- دکتر زکی نجیب ۳۵۷
- علی الجندی، رئیس دانشکده علوم دانشگاه قاهره ۳۵۸
- دکتر زکی مبارک ۳۵۸
- استاد خلیل هندای ۳۵۹
- استاد حنا الفاخوری ۳۵۹
- استاد عبدالوهاب حمورا استاد علوم اسلامی دانشگاه بغداد - ۱۹۵۱ ۳۵۹
- محمد محیی الدین عبدالحمید، استاد دانشگاه الازهر مصر ۳۵۹
- محمود چخاهیج، معاون نخست وزیر بوسنی و هرزگوین ۳۶۰
- بعضی از اوصاف خداوند را یادآوری نموده ۳۶۱
- ما ائمه اثنی عشره از شجره نبوت هستیم ۳۶۲
- در بیان فضائل آل محمد علیهم السلام ۳۶۲
- در پند و اندرز دادن به مردم و ستودن ائمه اطهاره ۳۶۳
- حضرت علی در نهج البلاغه ۳۶۴
- بدانید بیهوده آفریده نشده اید ۳۶۸
- امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اخبار غیبی ۳۶۹
- هزار مرد بدون کم و زیاد به یاری ما می آیند ۳۷۰
- حضرت علی (ع) از چگونگی شهادت خود خبر می دهد ۳۷۳

۳۷۵.....	درباره میثم تمار که به دار آویخته می شود
۳۷۷.....	خبر دادن از شهادت قنبر
۳۷۷.....	خبر دادن از شهادت کمیل بن زیاد نخعی
۳۷۸.....	در تفسیر آیه الهاکم التکاثیر
۳۸۴.....	پاسخ های امام حسن (ع) به پادشاه روم
۳۸۸.....	پاسخ های امام حسن مجتبی (ع) به مرد شامی
۳۹۰.....	نقل گفتار کعب الأخبار درباره ی اعلام امت و وصی پیامبر
۳۹۴.....	نامه های امامان معصوم:
۳۹۷.....	هدایت باد نشیر
۴۰۰.....	پاسخ امام حسن (ع) به پرسشهای خضر
۴۰۲.....	سخن امام حسن پس از صلح در پاسخ معاویه
۴۰۴.....	فصل یازدهم
۴۰۴.....	توحید اوصاف خداوند
۴۰۴.....	تقدیر و اختیارات انسان
۴۰۵.....	راضی به تقدیر خداوندی
۴۰۸.....	شیعه که درباره ی "امامت"
۴۱۸.....	در کوفه، شیعیان، با حسن ابن علی (ع) بیعت کردند
۴۲۷.....	پیامبر اکرم؛ این دو بزرگوار، امامند، پیشوا و رهبرند
۴۴۱.....	فصل دوازدهم
۴۶۶.....	خطبه فدکیه چیست و نحوه شکل گیری آن چگونه بوده است؟
۴۴۲.....	چرا فدک در بین شیعیان از اهمیت خاصی برخوردار است؟
۴۴۲.....	اسناد و رجال ناقل خطبه فدکیه
۴۶۷.....	منابع راوی این خطبه را می توان به دو بخش عمده تقسیم کرد:
۴۴۴.....	ورود به محتوای خطبه و شرحی کوتاه ازین دریای معرفت
۴۴۵.....	پاسخ شبهه ابوبکر توسط صدیقه طاهره (س) با استناد بر قرآن
۴۴۷.....	در بیان بعضی از ادعیه های عارفانه

شرح دعای سحر ۴۴۶

در این که ولایت، باطن نبوت است ۴۵۰

در حقیقت اخلاص ۴۵۲

دعای افتتاح ۴۵۵

دعای صباح ۴۶۴

ترجمه دعای صباح ۴۶۶

دعای کمیل بن زیاد ۴۷۰

ترجمه دعای کمیل ۴۷۵

مناجات سولای متقیان حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام ۴۸۲

حدیث کساء ۴۸۷

فصل سیزدهم ۴۹۲

نامه امام به ابوبکر ۴۹۲

ابوبکر به روحانی یهود گفت؛ از پیش من در شو و گرنه ترا می‌کشم؟! ۴۹۵

از معاویه بن صخر، به سرزنشگر پدرش، محمد بن ابی بکر ۴۹۶

نامه امام علی (ع) به معاویه (۱) ۴۹۷

نامه امام علی (ع) به معاویه (۲) ۴۹۸

نامه امام علی (ع) به معاویه (۳) ۴۹۹

نامه امام علی (ع) به معاویه (۴) ۵۰۰

نامه امام علی (ع) به معاویه (۵) ۵۰۱

فصل چهاردهم ۵۰۳

خطبه بدون الف ۵۰۳

خطبه بدون نقطه ۵۱۱

حضرت علی فرمودند: شهریار! شعرت را بخوان ۵۱۴

فهرست منابع ۵۱۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از کتاب‌هایی که مورد استفاده ما قرار گرفته، کتابی است با عنوان «سلوعلیاً عن طرق السموات»^۱، این کتاب به زبان عربی است و طبع و نشر آن در بیروت بوده است.

عناوین این کتاب آمده که به اینم جالب و شگفت انگیز است مانند:

۱- اعترافات خلفاء به - نبیت علی (ع)

۲- مناظرات و احتجاجات علی (ع) با بزرگان و عالمان یهود و نصاری

۳- مناظره مأمون با فقهاء و بزرگان از حقه در حقانیت علی (ع)

۴- احتجاج حضرت علی (ع) بر طیبیه و نسی

۵- اعتراف مأمون به حدیث غدیر و حدیث منبت

۶- بعضی اخبار و مشاهدات شگفت انگیز که در طول حیات امام علی (ع) مردم شاهد بوده اند و ارشاد شیخ مفید «رحمه الله علیه» به نقل آنها پرداخته است.

از باب نمونه [لَا يُقَلَّبُ هَذِهِ الصَّخْرَةُ إِلَّا بَنِيَّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ]

در پاورقی مقدمه ای از آن حکایت عجیب «ولو به اختصار» آورده می شود^۲

۱. علی (ع) شبی در راهی که بصغین می‌رفت - سپاهیانش تشنه بودند و بهر سود که می‌رفتند آبی پیدا نمی‌کردند - به دیری رسیدند - پیری سالخورده، در بالای کوه، در دیری جای داشت - از او سراج آب کردند - پیر گفت در اینجا آب وجود ندارد و نه منبع آبی پیدا می‌شود. آنگاه اینکه در شمع دو فرسخ منبع بزرگی از آب در زیرزمین وجود دارد که هیچکس جای آن را نمی‌داند مگر نبی و وصی نبی (این مطلب را نیاکان و اجداد ما به خبر داده‌اند و گفته‌اند از اسرار غیبی و الهی ست افرادی از سپاهیان رفتند و به مولایشان گفتند که ما بسیار گشته‌ایم و آبی پیدا نکردیم و لشکریان سخت تشنه و منتظر آب هستند و پیر سالخورده گفته که به شمع دو فرسخ منبع آب در زیرزمین وجود دارد و تنها نبی و وصی نبی می‌تواند آن را کشف و استخراج نماید!!!!!!..... بقیه داستان را در ارشاد شیخ مفید بخوانید (جلد ۱، فصل ۷۴، ص ۳۳۴).

۲
ضمناً ترجمه (حدود ۷۰ صفحه از کتاب فوق‌الاشارة توسط:

فاضل ارجمند جناب آقای حاج مهدی دشیری انجام گرفته که از الطاف ایشان ممنون و سپاسگزاریم.

(البته قسمت های ترجمه شده از کتاب «سلوا علیاً» را در پاورقی قید کرده‌ایم)
از خداوند منان که این توفیق را نصیب و رفیق راهمان نمود، سپاسگزاریم و از درگاهش استعانت می‌جوئیم تا در کمال سلامت و عافیت، این کار و تلاش، به نحو احسن و مطلوب به پایان برسد. آمین.

و بما توفیقی الا بالله العلی العظیم

ش - سلیم زاده

پیشگفتار

محبت اهل بیت:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدا من لسانی، یفقهوا قولی.

امیدوارم پروردگار عالم توفیق عنایت کند تا در پرتو عنایت حضرت بقیه الله بتوانم بحثی را با شما عزیزان عنوان کنم. آخر سال این بحث ادامه داشته باشد.

بر اساس آیاتی از قرآن، بعضی پروردگار عالم به بسیاری از انبیاء دستور می دهد که به مردم بگویند ما اجر رسالت نمی خواهیم. در قرآن شریف راجع به انبیاء فقط همین مقدار را دارد که اجر رسالت نمی خواهیم، زحماتی که می کشیم برای خداست و پاداش آن هم با اوست. ولی راجع به پیغمبر اکرم می فرماید: که من اجر رسالت نمی خواهم؛ اجر زحمت بیست و سه ساله من با خداست. خدا دستور داده پاداش را هم باید از عنایت کند. الا این که یک چیز می خواهم: ... قل لا اسئلكم علیه اجر الا المودة فی القربی. (سوره نوری، آیه ۲۳)

دوستی ذوالقربی یعنی دوستی اهل بیت را می خواهم. لذا این آیه شریفه برخلاف آیاتی که راجع به انبیاء دیگر است که می گویند ما اجر رسالت نمی خواهیم: «ان احیی الا علی الله...» (سوره هود، آیه ۲۹) می گویند: پاداش می خواهم، پاداش من مودت ذی القربی یعنی دوستی اهل بیت است.

این آیه شریفه به خوبی به ما می فهماند که یکی از واجبات بزرگ اسلام، توکی و تبری است یعنی دوست داشتن اهل بیت و دشمن داشتن دشمنان اهل بیت که اصول نهم و دهم فروع دین ما را تشکیل می دهند. در آیه دیگری می فرماید: این مزد رسالت هم به خودتان بر می گردد. «قل ما سئلتکم من اجر فیهولکم...» (سوره سباء، آیه ۴۷) اگر می گویم پاداش می خواهم و پاداشم محبت اهل بیت است نتیجه اش به خود شما بر می گردد، در واقع این پاداش هم مال



خودتان است. در آیه اول می گفت که اجر می خواهم و در آیه دوم می گوید: نه، اجر نمی خواهم، اگر می گویم اجر می خواهم این اجر نتیجه اش به خود شما بر می گردد.

در آیه دیگری تبیین می کند که چگونه برگشت پاداش رسالت به خود شماست؛ می فرماید: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ أَلِيَّ رِثَةً سِوَايَ» (سوره فرقان، آیه ۵۷)

اگر کسی بخواهد به خدا برسد، اگر کسی بخواهد هدف از خلقت را به دست آورد و سرانجام اگر کسی بخواهد سعادت دنیا و آخرت را پیدا کند باید از راه اهل بیت: پیدا کند.

هر کاری و هر چیزی راهی دارد؛ سعادتمند شدن در دنیا و آخرت راه دارد و راهش اهل بیت: است، راهش علی (ع) و خاندان او است؛ هر کس از این راه نرود به بیراهه رفته است و مسلم است که سعادتمند خواهد شد و به جایی نخواهد رسید، این ادعای قرآن است.

تا اینجا نتیجه گرفتیم که پیامبران در قرآن می فرمایند: ما اجر و مزد نمی خواهیم و ما اجری الا علی الله ولی یارس می فرماید: من اجر می خواهم و اجر من «ذی القربی یعنی دوستی اهل بیت است».

مودت یک دوستی عادی نیست؛ مودت یعنی دوستی کردن محبت در دل و اینطور دوستی را می خواهم. بعد آیه دیگر می فرماید: اگر پاداش می خواهم این پاداش به حسب ظاهر مال من است ولی در حقیقت برگشت این پاداش باز هم به خود شماست. می فرماید: برای این که اهل بیت: راه رسیدن به سعادت و مقام قرب هستند و اگر از راه اهل بیت نروید نمی توانید به سعادت برسید؛ نمی توانید به خدا و مقام قرب الهی برسید. مثل کسی که به قول قرآن شریف بخواهد وارد خانه شود اما از پشت بام وارد شود! معلوم است که از راه نادرستی راه است و اگر روز اول و دوم هم بتواند از این راه سخت وارد شود اما یک وقتی هم از پشت بام پرت می شود و بدبختی در دنیا و آخرت پیدا خواهد کرد. لذا قرآن شریف می فرماید: «لیس البر ان تاتوا الیبوت من ظهورها». خوبی این نیست که وقتی آدم بخواهد وارد خانه بشود از پشت بام وارد شود. «ولکن البر من اتقی». آدم خوب آن کسی است که با تقوی باشد. بعد می فرماید: «واتوا الیبوت من ابوابها» اگر می خواهید به خانه وارد شوید، از راهش وارد شوید، از در وارد

شوید، از پشت بام وارد شدن کسی را به جایی نمی رساند. «و اتقوا الله لعلکم تفلحون». با تقوی باشید یعنی از راه وارد شوید، بی راهه نروید برای این که خدا دوست دارد شما رستگار شوید. این آیه شریفه می گوید که هر کاری راهی دارد، به عنوان مثال شما فرض کنید انسان تشنه است، انسان تشنه باید از راه طبیعی یعنی دهان آب بخورد اگر از راه دیگر مثلا به خودش آب تزریق کند یا این که از راه دماغ آب بخورد طولی نمی کشد که دماغ چرکین می شود و بالاخره نابود می شود زیرا از بیراهه جلو آمده و معلوم است که بیراهه کسی را به جایی نمی رساند و به عذوه نجات آسانی هم دارد.

رسیدن به خدا، قرآن و سوره هم راه دارد، رسیدن به پیامبر (ص) هم راه دارد. خود پیغمبر اکرم (ص) می فرماید: «آئینه اسم و علی بابها» شما این روایت را که میان شیعه و سنی متواتر است پهلوی این آیه بگذارید؛ این آیه می فرماید: اگر بخواهی وارد خانه بشوی از در وارد شوی نه از پشت بام و این روایت می گوید که دینی که انسان می تواند از آن وارد مدینه اسلام و قرآن و علم و «قرب خدا» شود علی (ع) است، «آئینه العلم و علی بابها» (سوره بقره، آیه ۱۸۹)

این آیه شریفه هم به ما می فهماند: که اگر می گوئیم «مودت عام» داشته باشید به خاطر این است که در راه باشی و به بیراهه نروی. و اگر بخواهیم از راه اهل بیت به جایی برسیم، حتما به غیر ضلالت چیزی نیست، روایت ثقلین هم به ما همین را می گوید؛ این روایتی که بطور تواتر، حتی با پانصد سند از اهل سنت نقل شده است تا چه رسد به شیعه، این که روایت ثقلین از پیامبر اکرم (ص) صادر شده است از بدیهیات تاریخ است.

پیامبر اکرم (ص) در این حدیث می فرماید: «انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی، ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابدا و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» یعنی در اسلام دو پشتوانه است: یکی قرآن و دیگری اهل بیت. و برای رسیدن به قرآن هم باید از راه اهل بیت وارد شد و اگر از چهار چوب اهل بیت بیرون بؤده و قرآن منهای اهل بیت باشد دیگر نمی تواند کسی را سعادتمند کند. مفسر قرآن باید اهل بیت باشد؛ ما اگر بخواهیم قرآن بخوانیم و تفسیر کنیم



باید در این چهارچوب باشد. این روایت می گوید که در این چهارچوب به جایی می رسیم و گرنه جز گمراهی چیزی نیست.

تنها با قرآن (و منهای اهل بیت) نمی شود به جایی رسید. اگر شما بخواهید بار را به منزل برسانید، دو لنگه اش باید مساوی باشد و الا بار به منزل نخواهد رسید و چه بسیار افرادی را دیدیم که می خواستند بدون اهل بیت جلو بروند، بدون پیوند با علی (ع) جلو بروند ولی چه مصیبتها که بجا نیاوردند؛ در تفسیر قرآنش مصیبت دارد، در بیان احکامش به بیراهه و ضلالت رفته و خودش هم متوجه نیست.

روایتی را برای شما بخوانم تا شاید این بحث روشن تر شود. امام صادق (ع) می فرمودند: پیش من از شخصی خیل بعیز کردند به اندازه ای که من تمایل پیدا کردم که او را ببینم. روزی در کوچه ای می رفتم دیدم یک کسی خیلی شلوغ است، مردم اظهار ارادت به او می کنند، اطرافش را گرفته اند و او حیرت می زند، مسئله می گوید، جواب مسئله می دهد. امام می فرماید: یک آقایی آمد پیش من و عرض کرد: یابن رسول الله، کسی را که شما می خواستید ببینید این شخص است. می فرماید: من دلم داخل جمعیت که او را ببینم، تا چشمش به من افتاد مردم را رها کرد و رفت. دنبالش راه افتادم تا یک جای خلوت پیدا کنم و با او حرف بزنم و ببینم چند مرده حلاج است. دیدم دانا یک مغازه میوه فروشی شد و سر میوه فروش را گرم کرد و دو تا انار از او دزدید، تعجب کردم، ادبی که مشهور به زهد و تقواست چرا دزد از کار درآمد؟

امام صادق (ع) می فرماید: باز دنبالش رفتم تا ببینم به کجا می رسد. دیدم یک مغازه دیگر رفت و از آنجا دو عدد نان دزدید! به همراهش رفتم دیدم داخل یک خرابه شد و دو تا نان را داد به فقیر و دو تا انار را هم داد به دو فقیر دیگر و از خرابه بیرون آمد. جلویش را گرفتم و گفتم: آقا، این کارها که کردی چه بود؟ زاهد و عبّاد و مسلمان و این کارها؟ گفت چه کردم؟ گفتم: من همراه تو بودم و دیدم که انار و نان دزدیدی و بعد هم آمدی و آنها را بین فقراء تقسیم کردی! گفت اول بگو ببینم تو کی هستی؟ گفتم: من جعفر بن محمد بن الصادق هستم. گفت:

پسر پیغمبری و قرآن را بلد نیستی؟ گفتم: چطور؟ گفت: قرآن شریف می فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا» (سوره انعام، آیه ۱۶۰). یعنی اگر کسی یک کار خوبی انجام دهد خدا ده برابر در نامه عملش می نویسد و اما اگر کار بدی بکند فقط همان در نامه نوشته می شود. من دو تا انار دزدیدم، دو تا گناه و دو تا نان دزدیدم، دو تا گناه که روی هم چهار گناه کردم، بعد رفتم دو تا انار را صدقه دادم و بیست حسنه به دست آوردم و دو تا نان را هم صدقه دادم و بیست حسنه به دست آوردم که روی هم چهل حسنه شد. چهار تا از این در قرآن آن چهار گناه، سی و شش حسنه در نامه اعمالم نوشته شد!! امام صادق(ع) فرمودند: بزرگتر از این تنها ثواب نبردی بلکه هشت گناه هم کردی، چهار گناه برای این که مال مردم را دزدیدی، چهار گناه دیگر هم کردی برای اینکه بدون اجازه مردم، مال مردم را به دیگران دادی که تصرف در مال دیگران از گناهان بزرگ است.

بعد امام صادق(ع) می فرماید: «اگر بسر کج بودی و اگر بشر جاهل بشود این چنین خواهد شد». اگر انسان تابع اهل بیت نباشد و در چهارچوب ولایت و تفسیری که از قرآن و به توسط اهل بیت شده نباشد در این چاه می افتد؛ جهل مُرکَّب و غیبت بر او حکمفرما می شود، به بی راهه می رود و خیال می کند که راهش بر حق است؛ گناه می کند و به خیالش ثواب است.

نظیر این شخص زیادند. در میان دانشمندان و در میان خود ما هم زیادند. به می شوند یعنی خود ما هم اگر در چهارچوب ولایت کار نکنیم به همین جا می رسیم.

یک وقت بشر می رسد به اینجا و به قول آن شاعر، واجب را ترک می کند و مستحب، را بجا می آورد. بسیاری از ما برای خاطر مستحب حرام بجا می آوریم. آن که چهار تا انار و نان می دزدد، در چهارچوب ولایت کار نکرده است؛ ما هم که ادعای محبت اهل بیت را داریم اگر در چهارچوب ولایت کار نکنیم خواه ناخواه به بیراهه می رویم.

اگر ما بخواهیم در راه باشیم باید پیرو علی(ع) باشیم. لذا اهدنا الصراط المستقیم به صراط علی تفسیر شده است و اصلاً خود «صراط مستقیم» یعنی اهل بیت. این که می گوئیم: خدایا مرا به راه مستقیم بدار یعنی خدایا من در راه اهل بیت باشم؛ من در چهارچوب ولایت باشم.